

مسکن و محیط زیست

شماره ۱۵۱ ♦ پاییز ۹۴

تبیین الزامات بازسازی پس از سانحه بر سیاست جابه‌جایی

در سکونتگاه‌های روستایی

(نمونه موردی: روستای اسطلخ کوه)

محسن سرتیپی پور *، عاطفه سادات هاشمیان **، مرضیه حسینی ***

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۳/۰۵/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله:

۱۳۹۴/۰۳/۱۰

چکیده

سوانح طبیعی در ایران سالانه خسارات و تلفات وسیعی را در سطوح مختلف سکونتگاه‌های شهری و روستایی به دنبال دارد. در این میان سکونتگاه‌های روستایی به دلیل ضعف‌های کالبدی قربانی جدی‌تری در این سوانح‌اند. بازسازی روستاها به دنبال سوانح عمدتاً با سیاست‌های مختلفی انجام می‌گیرد. در حالت کلی زمانبر و پرهزینه بودن درجاسازی در تخریب‌های وسیع، تصمیم‌گیران دولتی را به سمت و سوی جابه‌جایی کالبدی روستا جهت استقرار سریعتر اهالی و سروسامان دادن آن‌ها سوق می‌دهد. در حالی که آسیب‌ها و شکست‌های مکرر این سیاست معمولاً آن را به عنوان آخرین راه‌حل پیشنهادی در بازسازی مطرح می‌نماید. اما آیا نمی‌توان الزاماتی را جهت بازسازی موفق مبتنی بر جابه‌جایی تدوین نمود و آیا هیچ یک از روستاهایی که با این رویکرد بازسازی شده‌اند مورد پذیرش اهالی خود واقع نشده‌اند؟ از آنجا که روستای اسطلخ کوه از جمله معدود سکونتگاه‌هایی است که توانسته با وجود جابه‌جایی به دنبال زلزله سال ۱۳۶۹ رودبار و منجیل همچنان پویایی خود را حفظ نماید، علل بقای هویت آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این پژوهش که به شیوه کیفی صورت پذیرفته، سعی شده با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای و جمع‌آوری اسناد و مدارک در خصوص تدوین مبانی نظری و بررسی کیفیت حال حاضر روستا (از طریق مطالعات میدانی و انجام مصاحبه‌های عمیق و نیمه عمیق) با وجود گذشت بیش از بیست سال از جابه‌جایی، دلایل بقا و حفظ ارزش‌های کالبدی و فضایی روستای جدید، به دیده تحلیل نگریسته شود. در نهایت به نظر می‌رسد دلایلی نظیر ارتقای سطح بهداشت و کیفیت زندگی، مشارکت همه جانبه اهالی در تمامی مراحل بازسازی و رفع محدودیت‌ها و ضعف‌های روستا قبل از زلزله از جمله مالکیت‌های غیر دقیق از دلایل موفقیت نسبی این جابه‌جایی باشند. امید است اصول و راهبردهای یافت شده بتواند در حالت‌های مشابه جهت طرح‌های بازسازی مورد استفاده قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سانحه، بازسازی، جابه‌جایی، زلزله رودبار، اسطلخ کوه.

* استاد دانشگاه شهید بهشتی تهران.

** کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه از دانشکده معماری شهید بهشتی. Arch_parse@yahoo.com

*** کارشناس ارشد بازسازی پس از سانحه از دانشکده معماری شهید بهشتی.

مقدمه

از آنجا که بیشتر مناطق سرزمین پهناور ایران در نقشه پهنه‌بندی زلزله در موقعیت خطرپذیری بالا و بسیار بالا قرار دارد، هر ساله شاهد آسیب‌های وسیعی به‌دنبال وقوع این سانحه خصوصاً در روستاها هستیم. در راستای بازسازی مناطق آسیب‌دیده عموماً دولت سه شیوه تجمیع، جابه‌جایی (انتقال) و شیوه درجاسازی را انتخاب و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی که متولی ساخت و ساز روستاهای سانحه دیده می‌باشد، با توجه به شرایط هریک از روستاهای آسیب‌دیده، یکی از سیاست‌های مذکور را پیش می‌گیرد که بعضاً به دلیل اضطرار و زمان کوتاه برای سر و سامان دادن روستائیان برخی مسائل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و کالبدی در بازسازی‌ها نادیده گرفته می‌شود. از آنجا که جابه‌جایی روستاها در سیاست‌های بازسازی امری منفی تلقی می‌شود و این گونه اقدامات در بازسازی‌های مختلف عموماً با موفقیت نسبی همراه نبوده است، این راه‌حل در زمره آخرین راهکارها قرار دارد. از جمله این روستاها می‌توان به برخی روستاهای بروجرد از جمله باباشمان و برخی روستاهای جابه‌جا شده به‌دنبال زلزله سال ۱۳۸۲ بم اشاره نمود. پژوهش‌های مختلف حکایت از عدم تطابق نیازهای واقعی روستاها با امکانات ارائه شده دارد که اغلب ناشی از عدم مشارکت فعال اهالی و تصمیم‌گیران محلی در مراحل مختلف بازسازی است. در عین حال شاهد رضایت اهالی برخی دیگر از روستاها خصوصاً روستاهای درگیر در زلزله سال ۱۳۶۹ منجیل می‌باشیم، پژوهش فوق به‌دنبال اشاره به نکات ویژه و مؤثر در موفقیت نسبی جابه‌جایی برخی از این روستاها مانند اسطخ‌کوه رودبار می‌باشد.

مروری بر ادبیات موضوع

به گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۱۰ جابه‌جایی که گاهی اوقات به‌عنوان بهترین گزینه در پی یک سانحه قلمداد می‌شود ممکن است به‌دلایل زیر صورت پذیرد:

۱. به‌دنبال یک سانحه افراد مجبور به جابه‌جایی شوند.
 ۲. موقعیت فعلی آن‌ها غیر قابل سکونت قلمداد شود.
 ۳. جابه‌جایی بهترین گزینه برای کاهش آسیب‌پذیری در حوادث آینده قلمداد شود. (Jha, Abhas K & Others, 2010)
- بنابراین بازسازی مبتنی بر جابه‌جایی به‌دنبال بسیاری از سوانح اجتناب‌ناپذیر است. نظریه مورد نظر را در پژوهش پیش‌رو می‌توان این‌گونه شرح داد که "بازسازی مبتنی بر جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی نه تنها مطلقاً منفی تلقی نمی‌شود بلکه با اعمال برخی الزامات و سیاست‌های ویژه می‌تواند سبب پایداری و پویایی بیشتر روستا نسبت به قبل سانحه شود." در راستای اثبات و یا رد نظریه ذکر شده سوالاتی طرح می‌شود از قبیل اینکه سکونتگاه‌های روستایی که به واسطه جابه‌جایی موفق به پذیرش اهالی خود به‌صورت نسبی شده‌اند دارای چه ویژگی‌هایی هستند؟ آیا الزاماتی جهت بازسازی‌های موفق به‌دنبال جابه‌جایی، علاوه بر مبانی نظری موجود و منابع کتابخانه‌ای از مطالعات میدانی می‌توان استخراج نمود؟ و در نهایت جابه‌جایی موفق، چه معیارهایی دارد؟

روش تحقیق

شیوه انتخابی در این پژوهش جهت نیل به پاسخی مناسب برای سوالات فوق‌الذکر بررسی نمونه‌ای نسبتاً موفق است که توانسته حیات پایداری پس از گذشت بیش از بیست سال از جابه‌جایی داشته باشد. این نمونه می‌تواند ما را در درک عینی مشخصه‌ها و مؤلفه‌های یک بازسازی موفق یاری رساند و با نگاهی دقیق‌تر می‌توان آن‌ها را به سایر سکونتگاه‌های روستایی مشابه تسری داد. در این بررسی مهم‌ترین مرحله، انتخاب مناسب شاخص‌های منطبق بر مستندات علمی است که به این جهت در ابتدای امر مؤلفه‌های مورد انتظار در بازسازی‌های موفق مورد بررسی قرار می‌گیرد و پس از

مبانی نظری

بازسازی پس از سانحه فرایندی پیچیده و پویا با ابعاد چندگانه است و سیاست‌های بازسازی بایستی انعطاف کامل را جهت تغییر و سازگاری با اوضاع محلی به‌ویژه در خصوص سکونتگاه‌های روستایی داشته باشد و " برنامه بازسازی باید بر اهداف طولانی مدت توسعه استوار باشد. " (آیسان، ۱۳۸۵، ۷) در پژوهش پیش‌رو در جهت اثبات نظریه مطرح شده، شناخت و معرفی نسبتاً کاملی از مبانی نظری موجود در ارتباط با جابه‌جایی‌های موفق و ناموفق و دلایل بررسی شده الزامی است.

بازسازی مبتنی بر جابه‌جایی

با مطالعه ادبیات جهانی و مشاهده نمونه‌های موردی فراوان در سطح جهان، دریافت می‌شود که سیاست جابه‌جایی جوامع پس از سوانح در موارد بسیاری با شکست مواجه شده و منطقه جدید یا به کلی مورد پذیرش و رضایت جوامع سانحه‌دیده قرار نمی‌گیرد و حتی به‌مرور خالی از سکنه می‌گردد و یا به شرایط پویایی و حیات مقبول قبل از سانحه باز نمی‌گردد چراکه جابه‌جایی تنها به معنی تغییر مکان خانوارها و مسکن و مردم ساکن در یک جامعه نیست بلکه شامل کل یک اجتماع و کلیه متعلقات آن می‌شود و به‌طور خلاصه به معنای جابه‌جایی یک شیوه زندگی است. (Boen.T., & Jigyasu.R, 2008)

بنابراین هر گونه تلاش برای انتقال مردم از محیط فیزیکی و اجتماعی موجود، خود تأثیر مهمی بر زندگی آنان خواهد داشت. اسناد و مدارک نشان می‌دهد که در بسیاری موارد در عمل، این امر به دلایل زیر موفقیت‌آمیز نبوده و حتی در مواردی مورد پذیرش جوامع آسیب‌دیده قرار نمی‌گیرد:

- بازسازی به‌طور طبیعی در زمان کوتاهی پس از سانحه آغاز می‌شود و برنامه‌ریزی در این زمان کوتاه جامع نخواهد بود.

تطبیق این مؤلفه‌ها بر مصداق مورد نظر، سعی در شناخت رمز موفقیت این بازسازی شده است. روش تحقیق حاضر در پژوهش پیش رو علاوه بر مطالعات کتابخانه‌ای وسیع در خصوص تدوین مبانی نظری مورد استفاده، از نوع کیفی است که از ابزارهای مشاهده، مصاحبه عمیق و نیمه عمیق، اسناد کتابخانه‌ای جهت جمع‌آوری اطلاعات لازم در خصوص نمونه مورد مطالعه استفاده شده است.

تعاریف

بازسازی^۱

بازسازی را "تأمین کل خدمات و زیرساخت‌های تخریب شده، جایگزینی کالبدی بناهای منهدم شده، احیا کردن و توانمند ساختن مجاری اقتصادی و در نهایت بهبود شرایط زیست جامعه مصیبت‌زده." (آیسان، ۱۳۸۵، ۵) تعریف کرده‌اند.

جابه‌جایی^۲

طبق تعریف اکسفورد جابه‌جایی به معنی عمل مکان‌گزینی جدید، تخصیص مکان جدید و اسکان سکونت قانونی یا استقرار در یک ناحیه مشخص است که ساکنین آن حق دریافت امداد و بازتوانی را داشته باشند. (آیسان، ۱۳۸۵، ۷۱)

مکانیابی روستا^۳

"روندی است که طی آن براساس تصمیم‌گیری آگاهانه و براساس معیارهای از پیش تعیین شده در چهارچوب برنامه و اهداف معین، محل استقرار یک سکونتگاه روستایی مشخص می‌شود." (سعیدی، ۱۳۸۷، ۱۷) پس از ارائه تعاریف مورد نیاز در بحث لازم است مبانی نظری جهت چگونگی ارزیابی و بررسی موفقیت بازسازی روستا مبتنی بر جابه‌جایی تدوین گردد تا بتوان آن‌ها را در ارتباط با بررسی نمونه‌های مشابه نیز تسری داد.

- مردم چندان تمایلی به رها کردن مالکیت زمین‌های خود ندارند و امور مربوط به مالکیت معمولاً تمایل به بازسازی را در مقایسه با جابه‌جایی تقویت می‌کند.

- هزینه‌های مربوط به جابه‌جایی بسیار سنگین‌تر از هزینه‌های تعمیرات و بازسازی خواهد بود.

- مردم به‌طور طبیعی تمایل برای ماندن در محیطی که به آن آشناترند را داشته و در مقابل جابه‌جایی مقاومت می‌کنند. (Davis, 1978)

بانک جهانی نیز با انتشار کتاب "خانه‌های امن‌تر جوامع قوی‌تر" در سال ۲۰۱۰ دلایل جابه‌جایی‌های ناموفق را عواملی مانند سایت‌های جدید نامناسب، فاصله از نحوه معیشت سابق و شبکه اجتماعی، طراحی نامناسب سکونتگاه‌ها از بعد اجتماعی-فرهنگی، فقدان مشارکت مردمی و هزینه‌های بالای جابه‌جایی ذکر می‌کند.

ارزیابی جابه‌جایی

به‌دنبال سوانح احتمالی، تصمیم‌گیران دولتی و محلی سیاست‌های مختلفی را در جهت به جریان انداختن حیات در شهرها و روستاهای زلزله زده و بازگرداندن سانحه دیدگان به محیط زندگی خودشان و فراهم آوردن زمینه اشتغال و تولید آسیب‌دیدگان به کار می‌گیرند که سبب بازگرداندن و ارتقای کیفی ساختارهای روستا پیش از سانحه خواهد شد.

سلیمان‌زاده و همکاران در مقاله‌ای که عمدتاً به روایت و گزارش بازسازی اسطوخ‌کوه پرداخته است، جابه‌جایی این روستا را به‌صورت کلی موفق ارزیابی کرده‌اند به‌نحوی که اهالی در گسترش و بهبود وضعیت آن تلاش می‌کنند. (سلیمان‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳)

اما در راستای ارزیابی بازسازی هرگونه سکونتگاه روستایی جابه‌جا شده، تدوین شاخص‌های مرتبط الزامیست. به نحوی که بازسازی‌های انجام گرفته براساس

سیاست‌های اتخاذ شده در جهت بازگرداندن ساختار روستا به حالت قبل و یا ارتقا آن ارزیابی شود.

بر این اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که چنانچه بازسازی سکونتگاه‌های روستایی که مبتنی بر جابه‌جایی اند، در پرتو سیاست‌ها خود بتواند ساختار روستا را به شرایطی مانند قبل از سانحه و یا شرایطی نزدیک به آن و یا بهتر تغییر دهد، می‌توان از بازسازی به‌عنوان یک بازسازی موفق یاد کرد و چنانچه نتواند ساختار روستا را بهبود ببخشد از آن به جابه‌جایی ناموفق یاد می‌شود. جهت استخراج شاخص‌های متناسب‌تر برای بررسی و ارزیابی جابه‌جایی، عوامل ذکر شده براساس مستندات علمی و منابع معتبر به دسته‌های خردتر نیز تقسیم می‌شوند.

سیاست‌ها و شاخص‌های ارزیابی

این شاخص‌ها از سیاست‌های به‌کارگرفته شده در بازسازی مناطق زلزله زده گیلان و زنجان که در دسته‌های زیر قابل تقسیم‌بندی است استخراج شده‌اند:

- "سیاست‌های طراحی و برنامه‌ریزی

- سیاست‌های نظام اجرایی

- سیاست‌های مالی

- سیاست‌های مربوط به تکنولوژی ساخت

- سیاست‌های مرتبط با مصالح ساختمانی

- سیاست‌های مدیریت ساخت و مشارکت اهالی

- سیاست‌های مرتبط با انتخاب زیربنای واحدهای

مسکونی" (طالبزاده، ۱۳۸۰، ۱۴۲)

از طرفی جهاد سازندگی خطوط عمومی و محتوایی در نوسازی و طراحی سکونتگاه‌های روستایی را در مباحث گوناگون بررسی و "۱- ساخت معیشتی ۲- ساخت طبیعی ۳- ساخت فیزیکی و کالبدی در کل و جزء روستا ۴- ساخت اجتماعی و ۵- ساخت مذهبی" (طالبزاده،

مسکن، فضاهای مذهبی فرهنگی، بهداشتی، خدماتی، فضاهای عمومی و اختصاصی، فضاهای ارتباطی و فضاهای باز است." (سرتیپی پور، ۱۳۸۸، ۱۱)

"خصوصیات کالبدی بافت روستا، چهار شاخص کالبدی روستا شامل نظام کاربری زمین، الگو و سازمان شبکه معابر، الگوی معماری و ساخت و ساز (توده و فضا)، نظام شکل‌گیری محله‌ها و مکان‌یابی مراکز محلات را مورد توجه قرار می‌دهد." (احمدیان، ۱۳۷۸) در ادامه برای بررسی دقیق‌تر ساختار فیزیکی به دو دسته بافت و مسکن تقسیم می‌شود.

ساختار اجتماعی - مذهبی

عوامل فرهنگی - اجتماعی دخیل در نحوه استقرار و شکل‌پذیری سکونتگاه‌های روستایی را به‌طور کلی می‌توان به شرح زیر مطرح ساخت:

- امکان و نحوه پاسخگویی به برخی نیازهای اساسی جامعه انسانی، مانند سکونت‌گزینی، زندگی جمعی و حفاظت از خانواده، تولد و تولید مثل، استراحت و مانند آن،
- سابقه و شیوه زندگی اجتماعی جمعیتی خاص و هم‌پیوند،
- سوابق، مشترکات و روابط سنتی - قومی،
- امکان حفاظت از یکپارچگی اجتماعی جماعت ساکن،
- امکان گسترش عرصه محفوظ زیستی،
- امکان دسترسی به نهادها و خدمات فرهنگی اجتماعی (سعیدی، ۱۳۸۷، ۹۳)

در ادامه به تطبیق شاخص‌های استخراج شده با نمونه موردی و استخراج دلایل و عوامل متفاوت و شاخص در روستای مورد نظر پرداخته شده است.

۱۳۸۰، ۱۴۲) را به‌عنوان عناصر کلیدی جهت شناخت ساختار روستا تدوین می‌نماید.

ساختار معیشتی

"توان اصلی بازسازی باید در جهت به راه انداختن شریان‌های اصلی حیات اقتصادی منطقه صرف شود" (بازسازی و نوسازی مسکن مناطق جنگزده روستایی، ۶۳)

و این یک تصور نادرست در ارتباط با تقدم بازسازی کالبدی بر بازسازی اقتصادی و اجتماعی است. (فلاحی، ۱۳۸۴) دکتر عباس سعیدی عوامل و نیروهای اقتصادی - معیشتی را در چهار دسته کلی زیر جای می‌دهد:

- "فراهم بودن امکان فعالیت اقتصادی
- امکان مبادله کالایی و دسترسی به بازار
- امکان دسترسی به راه‌های مناسب ارتباطی
- امکان دسترسی به خدمات عمومی به‌ویژه خدمات پشتیبانی" (سعیدی، ۱۳۸۷، ۹۵)

ساختار طبیعی

الگوی سکونت‌گزینی سکونتگاه‌های روستایی بیش از هرچیز متأثر از عوامل محیطی - اکولوژیک است تا جایی که الگوی اسکان در روستاها را از لحاظ بنیادی، انعکاس عوامل و نیروهای محیط طبیعی به‌شمار آورده‌اند. (سعیدی، ۱۳۷۷) عوامل محیط طبیعی را می‌توان در سه دسته کلی زیر جای داد:

- اشکال ناهمواری (پستی و بلندی)
- آب و هوا، پوشش گیاهی و زیست محیطی
- نحوه دسترسی به منابع آب و خاک (سعیدی، ۱۳۸۷، ۱۳۱)

ساختار فیزیکی - کالبدی

"مجموعه‌ای به‌هم پیوسته از فضاهای پر و خالی شامل

سیاست‌های بازسازی						
انتخاب زیربنای واحدها	مدیریت ساخت و مشارکت	مصالح	تکنولوژی ساخت	مالی	نظام اجرایی	طراحی و برنامه‌ریزی
ساختار روستا						
ساختار اجتماعی- مذهبی	ساختار فیزیکی-کالبدی		ساختار طبیعی	ساختار معیشتی		
زندگی جمعی	مسکن	بافت	ناهمواری‌ها	امکان فعالیت اقتصادی		
سابقه و شیوه زندگی	سازه	کاربری زمین	آب و هوا	دسترسی به بازار		
روابط سنتی-قومی	مصالح	شبکه معابر	پوشش گیاهی	دسترسی به خدمات عمومی		
یکپارچگی اجتماعی	شکل	توده و فضا	نحوه دسترسی به منابع	دسترسی به راه‌های مناسب ارتباطی		
دسترسی به خدمات فرهنگی	روابط اجزا مسکن	شکل‌گیری محلات				

ج ۱. جمع‌بندی شاخص‌ها. منبع: یافته‌های پژوهش

معرفی نمونه موردی

روستای اسطلخ‌کوه

تابعه در استان گیلان و شمال غرب در پی داشت. روستای اسطلخ‌کوه از توابع رودبار نیز در این سانحه به شدت آسیب دید. طبق گفته اهالی زلزله در ساعت ۱۱ شب در حالی که روستائیان در استراحت به سر می‌بردند اتفاق افتاد. به دنبال این سانحه تمامی خانه‌ها به جز دو مورد فروریخت و حدود ۳۰ نفر در این سانحه جان خود را از دست دادند.

روستای اسطلخ‌کوه واقع در جنوب گیلان، شهرستان رودبار و جزئی از دهستان خورگام می‌باشد. (ت ۱) بخش خورگام با مرکزیت شهر بره سر شامل ۴۳ روستا و یک شهر است. (ت ۲) در این منطقه آمیزه‌هایی از نژادهای گیلانی و کرد قوچانی و دیلمی سکونت دارند که به زبان‌های گیلکی و کردی و عده معدودی نیز فارسی صحبت می‌کنند. این روستا با جمعیتی معادل ۲۱۳ نفر و ۷۰ خانوار "در پهنه جلگه‌ای و کوهستانی قرار گرفته و ارتفاع از سطح دریای آن بالغ بر ۲۰۰۰ متر می‌باشد." (فرهنگ آبادی های کشور، ۱۳۷۵) همه مردم این روستا مسلمان شیعه مذهب هستند.

زلزله

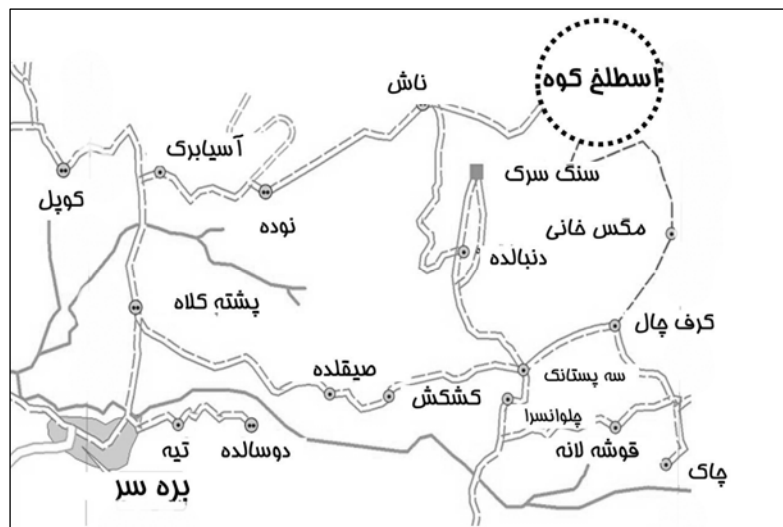
سیاست‌های بازسازی در منطقه
به‌طور کلی مطابق برنامه بازسازی مناطق آسیب‌دیده از زلزله مورخ ۱۳۶۹/۳/۳۱ شمال و شمال غرب کشور، هدف از بازسازی چنین عنوان می‌گردد: "بازسازی و نوسازی بافت و مسکن شهرها و روستاهای آسیب دیده از زلزله در اسرع وقت در چارچوب توانایی‌های ملی و مردمی به جهت جریان انداختن دوباره حیات در شهرها و روستاهای زلزله زده و بازگرداندن سانحه‌دیدگان به محیط زندگی خودشان و فراهم آوردن زمینه اشتغال و تولید

در تاریخ ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۹ در نزدیکی شهر رودبار زلزله‌ای مهیب به بزرگی ۷.۳ در مقیاس ریشتر اتفاق افتاد و خسارات جانی و مالی فراوانی در رودبار و روستاهای

آسیب‌دیدگان" در نیل به اهداف ذکر شده سیاست‌های زیر
پیش گرفته شدند. (برنامه و بودجه بازسازی مسکن مناطق
زلزله‌زده استان‌های گیلان و زنجان، ۱۳۶۹) (گزارش
بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان-زنجان-خلخال، ۱۳۷۱)



ت ۱. موقعیت خورگام در استان گیلان.



ت ۲. موقعیت اسطلخ کوه در خورگام.

در این راستا از مهم‌ترین اقداماتی که توسط این نهاد
صورت گرفت، تهیه برنامه جامع بازسازی مسکن بود.
این برنامه برای نخستین بار تهیه شده و به تصویب هیأت

سیاست‌های برنامه بازسازی
پس از وقوع زلزله با توجه به تجارب بنیاد مسکن انقلاب
اسلامی، این نهاد به‌عنوان مجری بازسازی تعیین گردید.

دولت وقت رسید که برخی از نکات برجسته آن به قرار ذیل بود:

- به حداقل رسانیدن سرمایه دولتی در بخش مسکن.
- محور قرار دادن مشارکت مردمی در امر بازسازی.
- متکی بودن نظام طراحی بر مردم و همراه با آنها.
- مساعدت مدیریت دولتی بازسازی در اموری که مردم به تنهایی قادر به انجام آن نبودند.

سیاست‌های تشکیلات و نظام اجرایی

سیاست نظام تشکیلاتی برنامه بازسازی براساس تعیین یک دستگاه به‌عنوان مجری از جمله نکات مثبتی بود که در این بازسازی مد نظر قرار داده شد. برای پرهیز از ایجاد تشکیلات جدید و اضافی جهت تقویت مجری بازسازی در منطقه تلاش گردید از نیروهای استان‌های دیگر به‌عنوان نیروی معین استفاده گردد. بنابراین کل منطقه بین ۱۷ ستاد معین که از بنیاد مسکن سایر شهرها اعزام شده بودند تقسیم گردید. این ستادها نیز ضمن احداث دفاتر و مراکز اصلی استقرار خود جهت سهولت دسترسی مردم حدود ۳۰ ستاد فرعی (کارگاه) مستقر نمودند.

سیاست‌های منابع مالی

به حداقل رساندن سرمایه‌گذاری در بخش مسکن عمومی از جمله مواردی بود که در سیاست مالی و اعتباری برنامه بازسازی بر آن تأکید فراوان شده بود. بر همین اساس جهت تقویت بنیه مالی آسیب‌دیدگان و نیز با توجه به کارشناسی به‌عمل آمده و میزان آسیب وارده، جهت احداث یا تعمیر واحدهای مسکونی، به خسارت دیدگان وام بانکی کم بهره پرداخت شد.

سیاست‌های بهره‌گیری از تکنولوژی ساخت

اتخاذ شیوه‌هایی از تکنیک ساخت که در درجه اول هماهنگ با اصل خودکفایی در سطح منطقه و در درجه دوم در سطح ملی باشد. مجری با تهیه ضوابط و

توصیه‌های طراحی و اجرایی و همچنین از طریق الگوسازی و کنترل و ارشاد مردم، زمینه را برای ارتقای کیفی ساخت مسکن در طی عملیات بازسازی مناطق زلزله‌زده فراهم آورد.

سیاست‌های استفاده از مصالح ساختمانی

استفاده از مصالح ساختمانی ملزم به رعایت موارد ذیل بود:

مواد اولیه لازم برای تولید مصالح قابل تهیه در محل باشد. تکنولوژی تبدیل مواد به مصالح نهایی دارای پیچیدگی خاصی نبوده و توسط افراد بومی انجام پذیر باشد. از نقطه نظر اقتصادی با صرفه باشد. تأمین آن هماهنگ با محیط زیست بوده و باعث وارد آمدن خسارت قابل توجه به طبیعت نگردد. افزایش تولید مصالح ساختمانی و دخالت در مدیریت توزیع آن به منظور کنترل بازار و جلوگیری از ایجاد بازار سیاه و در نهایت قیمت‌گذاری و کنترل قیمت مصالح در بازار منطقه از دیگر الزامات این سیاست بود.

سیاست‌های مدیریت ساخت و مشارکت مردم

مدیریت ساخت واحدهای مسکونی آسیب دیده در زمینه‌های تدارکاتی، طراحی و اجرایی برعهده صاحب‌خانه می‌باشد و نقش دولت، عبارت است از مشارکت با صاحب‌خانه در اموری که وی به تنهایی قادر به انجام آن نیست و همچنین هدایت و نظارت در برنامه‌های اجرایی به‌گونه‌ای که کار بازسازی در کمترین زمان، مناسب‌ترین کیفیت و با حداقل مشکلات و تنش‌های اجتماعی به انجام رسد.

سیاست‌های مرتبط با انتخاب زیربنای واحدهای مسکونی

مساحت زمین‌های واگذار شده در روستاهای جابه‌جا شده از جمله اسطخ‌کوه تناسب مناسبی با مساحت متوسط زمین‌های اهالی قبل سانحه داشته است. زیربنای واحدهایی

اقامت داشتند. آن‌ها دام‌های باقی‌مانده از زلزله را نیز در کنار چادر خود نگهداری می‌کردند. از آنجا که سیاست بر مردم سانحه دیده اتخاذ گردیده بود لذا عدم تخلیه مردم از منطقه، انتخاب درستی در راستای این هدف بوده است.

مرحله دوم: اسکان موقت و دائم

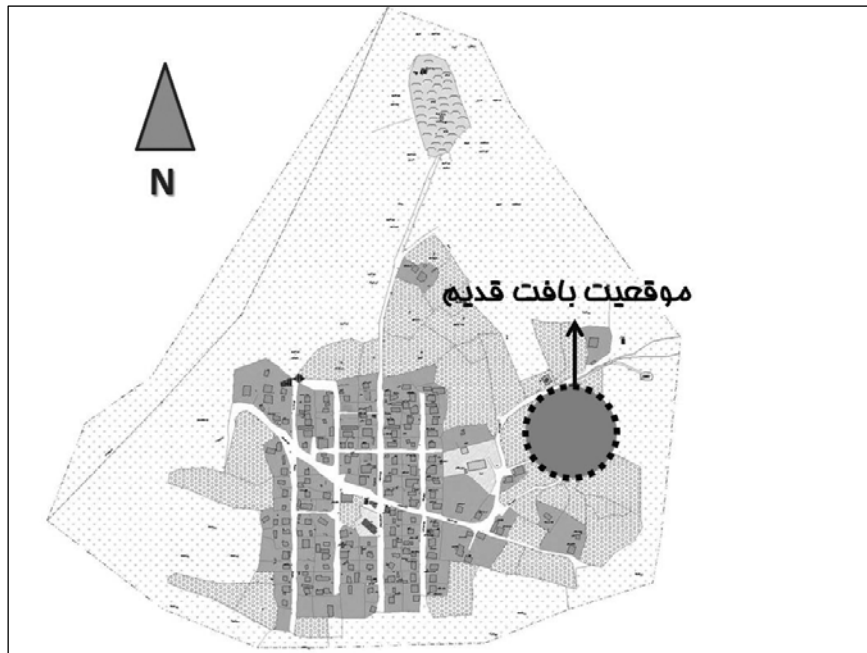
پس از مرحله اسکان اضطراری و به دلیل پیش‌رو بودن فصل سرما دولت اقدام به برپایی اسکان موقت برای آسیب‌دیدگان نمود. به گفته اهالی، پس از زلزله در موقعیت روستای قدیم به دلایلی از قبیل به هم‌خورن وضعیت مالکیت‌ها، دشوار بودن و زمان‌بر بودن آواربرداری، ساخت و ساز میسر نبوده و با موافقت آنان و همچنین نظر کارشناسان تصمیم برای جابه‌جایی اتخاذ گردید. سایت جدید جهت جابه‌جایی، در نزدیکی روستای قدیم و در فاصله هزار متری آن و در اطراف مسیر منتهی به روستای قدیم در نظر گرفته شد. (ت ۳) حدود یک ماه به طول کشید تا زمین‌های مورد نظر جهت احداث روستای جدید خریداری شد.

که در آن ساخته می‌شده با توجه به جمعیت خانوارها متغیر بوده است. در واقع هر خانوار با گسترش فضای اسکان موقت خود اقدام به ساخت خانه دائمی می‌کردند.

روند بازسازی اسطبلخ کوه

مرحله نخست: امداد رسانی و اسکان اضطراری

در ساعات اولیه پس از سانحه به دلیل بسته شدن مسیر اصلی دسترسی روستا، تا ساعت‌ها امکان امداد رسانی از خارج فراهم نشده و اکثر افراد توسط خود اهالی از زیر آوار نجات یافتند. در نخستین روزهای پس از زلزله نیز با توجه به دسترسی دشوار روستا از مرکز دهستان در اکثر مواقع کمک‌های امدادی به سختی به دست آنان می‌رسید. به گفته اهالی در این مدت روستائیان با توجه به ذخیره آرد موجود در خانه‌ها از طریق پخت نان نیازهای خود را برآورده می‌نمودند. پس از ۳ الی ۴ روز کمک‌های امدادی که شامل نان، برنج، آرد، کره، مربا و قند و چای بود به آنان رسید. برای اسکان اضطراری به خانواده‌ها چادر داده شد که حدود ۲ الی ۳ ماه در آن اصلی بازسازی مبنی مشارکت



ت ۳. موقعیت روستای قدیم نسبت به روستای فعلی. منبع: یافته‌های پژوهش

سپس بنیاد مسکن آنرا به زمین‌های حدود ۴۰۰ متری تقسیم کرده و با قیمت حدود ۱۵۰ هزار تومان به ساکنین فروخت. بنیاد مسکن برای هر خانواده با توجه به جمعیت آن‌ها یک اتاق جهت اسکان موقت بنا نمود که به مرور زمان هر خانواده چند اتاق دیگر و فضاهای بهداشتی را به آن اضافه کردند. مساحت این اتاق برای خانواده با جمعیت کمتر از ۵ نفر ۱۲ تا ۱۵ مترمربع و برای جمعیت بیشتر از ۵ نفر حدود ۲۱ مترمربع تعیین شد، بدین ترتیب برای اقامت موقت تنها یک اتاق برای هر خانواده ساخته شد که به مرور با دخل و تصرف خود اهالی به اسکان دائم تبدیل می‌شد. البته دولت برای توسعه خانه‌ها به روستائیان حدود ۲۵۰ الی ۳۵۰ هزار تومان -بسته به جمعیت آنان- وام بلاعوض پرداخت نمود و نیز برای ساخت اصطبل حدود ۱۵۰ هزار تومان به آنان وام داده شد.

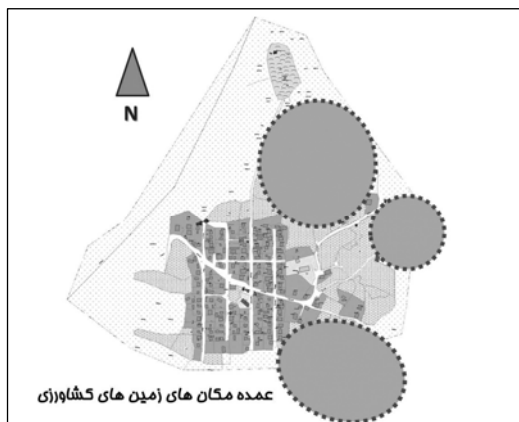
مقایسه ساختار روستا قبل و بعد از جابه‌جایی

الف) ساختار معیشتی

قبل از سانحه: معیشت رایج در این روستا در سال‌های ماقبل زلزله مطابق آمارهای ذکر شده در فرهنگ آبادی‌های کشور، دامداری و دامپروری، زراعت و پرورش طیور بوده است. همچنین طبق فرهنگ آبادی‌ها زراعت در این روستا به دلیل واقع شدن در منطقه کوهستانی و قرارگیری زمین‌های کشاورزی بر شیب و میزان بارش آن عمدتاً در قالب کشت دیم انجام می‌شده و باغداری نداشتند. به گفته اهالی بجز مشاغل رایج در روستا، یک معدن زغال سنگ در نزدیکی روستا بوده که تعداد کمی از روستائیان در آن به کارگری مشغول بودند. مراکز عمومی در روستا به استناد آمار مندرج در همان منبع در سال ۶۵ نشان دهنده وجود مسجد، شورای اسلامی، دبستان، حمام، وسایل نقلیه عمومی، آب لوله‌کشی، بهیار و مامای روستایی، آموزشیار نهضت

سوادآموزی، مبلغ مذهبی مسلمانان در روستا بوده است. سایر تسهیلات نظیر برق، تلفن و گاز در روستای قدیم موجود نبوده است.

بعد از سانحه: این جابه‌جایی تأثیر چندانی در فاصله نسبت به زمین‌های زراعی روستائیان نداشته است (ت ۴). بنابراین در زمان فعلی روستا شامل مجموعه نسبتاً متنوعی از کارکردهای کشاورزی شامل فعالیت‌های زراعی، دامداری و خدماتی می‌باشد. تعدد و انواع کاربری‌ها با قبل سانحه تفاوت عمده نداشته و کاربری مختلط و تنوع فعالیت‌ها جهت نیاز کمتر به سفرهای طولانی در روستای اسطخ‌کوه وجود ندارد. این امر خود موجب مهاجرت تعداد زیادی از ساکنین روستا در سال‌های اخیر شده است. دسترسی اصلی به این روستا بر اثر جابه‌جایی آن تغییری نکرده و همچنان دارای دو راه ارتباطی، از سمت غرب به روستای ناش و از سمت شمال شرقی به طرف دیلمان و آسیابر می‌باشد.



ت ۴. موقعیت زمین‌های کشاورزی در روستا.

منبع: دستاوردهای پژوهش

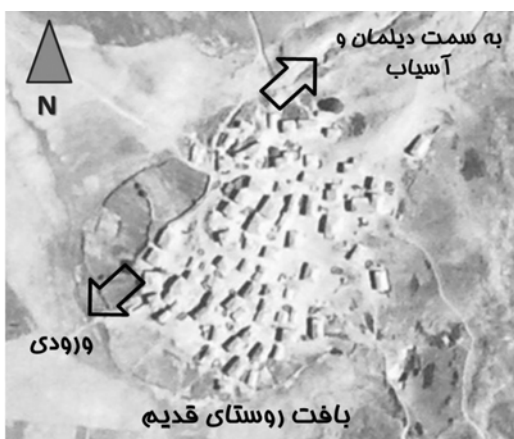
ب) ساختار محیطی

قبل از سانحه: هسته اولیه این روستا در کنار چشمه‌ای جهت تأمین آب شرب بنا شده بود. در روستای قدیم موقعیت چشمه نسبت به بافت در تراز پایین‌تری قرار

ج) ساختار فیزیکی - کالبدی

- بافت

همانطور که از تصویر هوایی سال ۱۳۴۷ شمسی مشخص است (ت ۵)، بافت قدیم روستا شامل خانه‌های فشره و منفرد و شبکه معابر ارگانیک (شمالی - جنوبی) بود که هر دو الی سه خانوار حول یک همسایگی توافقی با یکدیگر زندگی می‌کرده‌اند. به گفته اهالی در قدیم نسبت به توپوگرافی و محل قرارگیری مسجد، روستا به دو بخش بالا محله و پایین محله تقسیم‌بندی شده بود.



ت ۵. عکس هوایی از روستا در سال ۱۳۴۷.

منبع: (گروه بازسازی، ۱۳۹۰)

بعد از سانحه: بافت روستای جدید از نوع بافت باز و غیر متراکم با خانه‌های منفرد می‌باشد. طراحی شبکه معابر به صورت شطرنجی و دسترسی اصلی روستای اسطوخ کوه - که با مسیر قبل از زلزله یکی است - شامل معبری ۱۵ متری در مرکز بافت می‌باشد. این معبر شرقی - غربی که ورودی روستا نیز محسوب می‌شود، امتداد راهی است که بره سر را به رودبار می‌رساند. هشت معبر فرعی ۶ و ۸ متری با نقش جمع و پخش کننده، از معبر اصلی منشعب می‌شوند و به معابر با دسترسی فرعی تر و به منازل مسکونی ختم می‌شوند. روستای جدید اسطوخ

گرفته بود، بنابراین برای تأمین آب مصرفی در سال‌های نزدیک به زلزله تدابیری مانند لوله‌کشی از سرچشمه اصلی اندیشیده شده بود. شیب روستای قدیم باعث هدایت آب‌های سطحی و زود خشک شدن سطح معابر و همچنین هدایت فاضلاب به خارج از محل سکونت می‌شده است.

با توجه به اینکه روستای قدیم در دامنه‌های غربی رشته کوه های دیلمان واقع شده بود، لذا عمده تابش دریافتی بافت روستا از سمت غرب در ساعات پایانی روز بوده و باد غالب روستا همانند وضعیت کنونی آن شامل دو جریان یکی به نام باد "گیلان" از سمت شمال و دیگری باد "قبله" از سمت جنوب غربی روستا بوده است که در شکل‌گیری بافت قدیم روستا در پناه کوه و جهت بازشوها تأثیرگذار بوده‌اند و معابر اصلی معمولاً عمود بر جهت باد غالب شکل گرفته بوده است.

بعد از سانحه: بافت جدید از نظر موقعیت فضایی مابین فضای جدید و بافت قدیمی روستا، رودخانه و باغات قرار دارند. به گفته اهالی به دلیل قرارگیری روستا بر زمینی مسطح و فاصله زیاد خانه‌ها از یکدیگر باد مزاحم بر بافت اثر کرده و مشکلاتی را ایجاد نموده است. البته خانه‌های بازسازی شده در اسطوخ کوه به صورت شمالی - جنوبی قرار گرفته‌اند تا جبهه کمتری مقابل باد نامطلوب جنوبی داشته باشد. همچنین اهالی با تمهیداتی نظیر کاشت درختان، بازشوهای کوچک، ایجاد دیواره‌های محافظ خصوصاً در ورودی‌ها، مسدود کردن بازشوها و... سعی در پناه‌گیری در برابر باد مزاحم نموده‌اند. قرارگیری روستای جدید در زمین مسطح همچنین باعث ماندگاری آب بر سطح معابر و گل‌آلود بودن آن برای مدت‌های طولانی شده است. برای حل این مشکل شن‌ریزی انجام شده اما مشکل دفع فاضلاب در سایت جدید همچنان باقی است.

کوه دارای محله‌بندی مشخصی نبوده و محل تجمع اهالی در مرکز روستا که کاربری‌های تجاری در آن واقع شده‌اند قرار دارد (بنیادمسکن، ۱۳۸۰).

- مسکن

قبل از سانحه: خانه‌های روستایی، برخلاف خانه‌های شهری که عمدتاً کارکردهای زیستی دارند، دارای طیف وسیع‌تری از عملکردها هستند. فضاهای درون یک واحد مسکونی روستایی برای تأمین نیازهای مرتبط با فعالیت‌های دامی، زیستی و کشاورزی شکل می‌گیرد. در روستاهایی با فعالیت معیشتی - دامداری مانند اسطخ‌کوه، معمولاً خانه‌ها دو طبقه بوده و سطح اول به دام و طبقه دوم به انسان‌ها اختصاص می‌یافت. (ت ۶) تقسیمات فضایی به گونه‌ای بوده که ارتباط اتاق‌ها از داخل یک فضای مرکزی تأمین می‌شد. فضایی به‌عنوان آشپزخانه وجود نداشته و آشپزی، خوردن و خوابیدن در یک اتاق انجام می‌گرفت. سقف‌ها در روستای اسطخ‌کوه با توجه به عکس هوایی آن زمان حداقل با دو شیب ساخته شده بودند که در اصطلاح محلی بدان « دو ترک » می‌گویند.



ت ۶. نمونه‌ای مشابه خانه روستای قدیم اسطخ‌کوه که طبقه اول از سنگ و طبقه دوم زیگالی است. (زرگر، میری، آقایی، ۱۳۶۹)

در ارتباط با مصالح، طبقه پایین با سنگ و ملات گل ساخته می‌شد که برای ساخت طبقه بالا و اتصال زیگال‌ها بر روی این سنگ‌ها کلاف چوبی قرار می‌دادند. پی‌ها در روستای قدیم اسطخ‌کوه با عمق کم و در حدود ۱۵ تا ۲۰ سانتی متر به‌صورت یکدست در زیر کل ساختمان حفر می‌شد. جنس پی‌ها از سنگ با ملات گل یا گل آهک و گاهی چوبی بوده است. (زرگر، میری، آقایی، ۱۳۶۹) در روستای قدیم حدود مالکیت زمین‌ها مشخص نبود. هر خانه یک سند مالکیت دست‌نویس داشته که توسط اهالی روی یک برگ کاغذ معمولی نوشته می‌شده و به تأیید و امضای عده‌ای از معتمدین محلی نیز می‌رسیده است.

بعد از سانحه: هسته اولیه بازسازی شده به‌صورت یک طبقه ساخته شده بود. روند گسترش مسکن نیز به‌صورت افقی و یک طبقه ادامه پیدا کرده است. فضاهای معیشتی در مسکن روستای جدید اسطخ‌کوه فضاهایی شامل طویله، مرغانی، باغچه‌کاری‌ها و تنور می‌باشد. (ت ۷) ارتباط تنگاتنگ فضاهای زیستی با فضاهای معیشتی مانند گذشته است. فضاهای زیستی در مسکن روستای جدید شامل هسته اولیه خانه و الحاقات به هسته اولیه می‌باشد. پلان‌های فشرده، بازشوهای محدود، فضاهای تقسیم، سلسله مراتب دسترسی، نیاز به پستو، اتاق‌ها با مدول فرش و مدول‌های مشخص از ویژگی‌های این فضا است. فضاهای خدماتی در مسکن روستای جدید شامل سرویس‌های بهداشتی، انبار، منبع آب، شیر آب، محلی برای قراردادن هیزم‌ها (زیر سقف‌ها و یا حیاط خانه) و .. می‌باشد. فضاهای خدماتی داخل خانه‌ها و برخی در حیاط خانه جای دارند.

طریقه ساخت سقف شیب‌دار مانند گذشته در دو مرحله مجزا انجام می‌شود که ابتدا یک سقف تیر چوبی که امکان راه رفتن بر روی آن فراهم بود ساخته می‌شد و سپس با مصالحی مانند حلبی پوشانده می‌شده است.

ساختار اجتماعی-فرهنگی

قبل از سانحه: در گذشته، نظام مدیریتی روستا در قالب خان و رعیت نبوده ولی برای حل اختلافات، عمران محلی و رسیدگی به وضعیت اهالی از موقعیت کدخدا استفاده می‌شده و در سال‌های پس از انقلاب اسلامی و تشکیل شوراهای اسلامی در روستاها، مدیریت امور مختلف روستایی با نظارت شوراها و همکاری مردم صورت می‌گرفته است. مراسم خاص از جمله عزاداری‌ها و جشن‌ها نیز در مساجد، گره‌های ارتباطی و فضاهای بازی که عنوان "چاک" داشته انجام می‌گرفته است. اهالی روستا مانند امروز در استفاده از بسیاری از خدمات و حتی فضاهای زیستی مشترک بوده‌اند و به گفته اهالی در آن زمان هر چهار یا پنج خانه از یک شیر آب استفاده می‌کردند.

بعد از سانحه: اگر چه قطعه‌بندی زمین‌ها به نوعی باعث تفکیک مسکن از یکدیگر شده است اما اکثر خانه‌ها، حریم‌ها و عرصه‌های معلوم و مشخصی ندارند و فعالیت‌های روستائیان از حریم کالبدی خانه‌هایشان تجاوز می‌کند. ارتباط تنگاتنگ فضاهای زیستی با فضاهای معیشتی و مشترک بودن برخی از این فضاها با دیگر همسایه‌ها مانند گذشته در مسکن روستائیان از جمله ویژگی‌های اجتماعی است.

از آنجاکه کاربری‌های جمعی و فضاهای عمومی باعث ترغیب و تشویق فعالیت‌های انتخابی و اجتماعی افراد می‌گردند در روستا فضای جمعی پر رونق و خاصی وجود ندارد تنها یک قهوه‌خانه در امتداد دسترسی اصلی و در نزدیکی ورودی روستا وجود دارد که محل تجمع مردان روستا در فصول مختلف می‌باشد.



ت ۷. فضای معیشتی کنار زیستی - پلان.

منبع: آرشبو شخصی

در بازسازی طرح واحدهای احداثی شامل یک اتاق چهار گوش بوده که امکان گسترش آتی در آن پیش‌بینی شده بود. نوع گسترش خانه‌ها توسط اهالی، الگوی خاصی نداشته ولی پیچیدگی و چند لایه بودن در اغلب پلان‌ها به چشم می‌خورد. خانه‌ها به دو صورت با کرسی چینی و بدون کرسی چینی از روی زمین احداث شدند. شالوده و پی‌ها از سنگ و ملات سیمان است و داخل پی هسته اولیه از آرماتور استفاده شده است که چوب نعل را از زیر آن عبور داده‌اند. اما در توسعه خانه در پی از چوب استفاده شده است. دیواره‌ها از نوع زیگالی، سنگی و سفالی است.

بحث و نظر (جمع‌بندی)

ارزیابی	محدودیت‌های فعلی	امکانات فعلی	سیاست بازسازی	ساختار
✓	<ul style="list-style-type: none"> - نبود شغل ثابت و پایدار برای جوانان روستا - پایین بودن میزان درآمد 	<ul style="list-style-type: none"> - عدم تغییر الگوی معیشتی اهالی نسبت به قبل از سانحه - دسترسی مناسب به زمین‌های کشاورزی مانند گذشته - در جابه‌جایی فاصله نسبی روستا به جاده تغییری نکرده است، -در حال حاضر مسیر اصلی و جاده بره سر از داخل بافت روستا عبور می‌کند و در گذشته از کنار روستا می‌گذشته است - فاصله اندک و دسترسی مناسب به بافت قدیمی روستا و امکان استفاده از امکانات سابق - افزایش ارتباط با روستاهای اطراف جهت مبادلات معیشتی - امکان تردد ماشین در بافت فعلی روستا که در گذشته میسر نبوده. - امکان فعالیت‌های معیشتی بیشتر مرتبط با فضای زیستی به دلیل افزایش مساحت زمین‌های واگذاری 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه مناسب بازسازی - تشکیلات متعادل بازسازی - نظام اجرایی مطلوب - منابع مالی قابل قبول - مشارکت مطلوب مردم - زیربنای مناسب واحدهای مسکونی 	الف) معیشتی
×	<ul style="list-style-type: none"> - فشردگی بافت قدیم و پاسخگویی مناسب به اقلیم (نارضایتی فعلی) - بالا بودن سطح آب‌های زیر زمینی و مسئله عدم دفع مناسب فاضلاب - عدم پناه‌گیری روستای جدید در کوه و آزارهای باد - عدم دفع آب‌های سطحی به علت نبود شیب کافی 	<ul style="list-style-type: none"> - دسترسی مناسب به منابع آب - دسترسی به منابع طبیعی و مراعات - امکان توسعه کالبدی روستا در آینده 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه بازسازی مناسب - تشکیلات متعادل بازسازی - مشارکت مطلوب مردم 	ب) محیط فیزیکی
✓	<ul style="list-style-type: none"> - نبود زیرساخت‌های مناسب چون فاضلاب و گاز - ترکیب شدن آب‌های سطحی با آب چشمه‌ها و باغات و پراکندگی بوی نامطبوع در بافت روستا - تعدد کاربری‌های عمومی به نسبت قبل از سانحه تفاوت آشکاری نداشته 	<ul style="list-style-type: none"> - تبعیت نظام شکلی، ساخت و ساز و عملکرد این‌ها کاربری‌های موجود روستا از سنت نقشه سکونت، نحوه معیشت روستائیان و مجموعه شرایط محیطی روستای سابق - نسبت مناسب توده به فضا و وجود فضاهای باز کافی جهت ایجاد گره‌های فعالیتی و فضاهای عمومی - امکان پیشرفت و پیشبرد تأسیسات و تجهیزات در بافت روستا - کیفیت این‌ها عمومی و افزایش مساحت آن‌ها - امکان گسترش کالبدی بافت روستا نسبت به قبل 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه بازسازی مناسب - تشکیلات مناسب بازسازی - نظام اجرایی مطلوب - منابع مالی قابل قبول - تکنولوژی ساخت آشنا - سیاست‌های مناسب در مدیریت ساخت 	ب.۱) بنا
✓	<ul style="list-style-type: none"> - در گذشته به دلیل شیب‌دار بودن زمین خانه‌ها دو طبقه بوده و محل نگهداری دام در طبقه زیرین قرار داشت است که سبب رضایت اهالی و امنیت بیشتر آن‌ها، گرم شدن خانه‌هایشان و جلوگیری از ورود گل و لای به خانه بوده است. 	<ul style="list-style-type: none"> - شیوه‌ها و تکنیک‌های آشنا ساخت مسکن برای اهالی - امکان استفاده از مصالح بازیافتی روستای قدیم در بازسازی - استفاده از مصالح بومی و در دسترس در ساخت این‌ها - مساحت زمین‌های فعلی در مقایسه با زمین‌های قبلی روستائیان دو تا سه برابر بوده است - در روستای قدیم حدود مالکیت زمین‌ها مشخص (سند دستنویس) ولی هم اکنون همه اهالی مالک زمین خود محسوب می‌شوند. - به دلیل استفاده از تکنیک‌ها و مصالح بومی و بازیافتی در مسکن جدید اهالی برای تعمیر و گسترش مسکن خود کفا هستند. 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه بازسازی مناسب - نظام اجرایی مطلوب - منابع مالی قابل قبول - تکنولوژی ساخت آشنا - مصالح ساختمانی در دسترس - مشارکت مردم - زیربنای مناسب واحدها 	ب.۲) بنا
✓	<ul style="list-style-type: none"> - اقامت دائم بخش کمی از جمعیت بومی در روستا - پایین بودن سطح بهداشت عمومی - پایین بودن سطح سواد اهالی روستا - مهاجرت جمعیت تحصیل کرده روستا به نقاط اطراف - بالا رفتن سن اهالی روستا و میانگین سنی افراد ساکن - کم رونق بودن مراسمات خاص به علت بالا رفتن میانگین سنی اهالی 	<ul style="list-style-type: none"> - نزدیکی به روستای قدیم امکان برگشت و تجدید خاطره اهالی - اشتراک در استفاده از بسیاری از امکانات در فضاهای معیشتی و زیستی مانند قبل از سانحه - امکان ایجاد گره‌های جمعی در بافت روستایی جدید (چاک‌ها) - برپایی مراسم مذهبی، اعیاد و جشن‌ها در روستای جدید - عدم تجمع اقشاری و یکدست ماندن بافت اجتماعی بعد از سانحه - حق انتخاب اهالی در محل زمین خود، وسعت اندک روستا و نبودن تعصبات خاص اجتماعی مبنی بر فرارگیری کالبدی خانه‌ها. - نحوه اداره روستا مانند قبل از زلزله، به صورت شورایی 	<ul style="list-style-type: none"> - برنامه بازسازی مناسب - تشکیلات مناسب بازسازی - نظام اجرایی مطلوب - مشارکت مردم 	د) اجتماعی- فرهنگی

ج ۲. جمع‌بندی شاخص‌های بررسی شده (نگارندگان).

از آنجا که سیاست جابه‌جایی به‌عنوان اولین گزینه جهت بازسازی سکونتگاه‌های روستایی به‌دنبال سوانح امری منفی تلقی می‌شود اما گاهی این امر اجتناب‌ناپذیر بوده و سیاستگذاران را ناچار به اتخاذ این تصمیم می‌نماید. به‌طور کلی چنانچه بازسازی سکونتگاه‌های روستایی جابه‌جا شده بتواند ساختار روستا را به شرایطی مانند قبل از سانحه و یا شرایطی نزدیک به آن و حتی بهتر از قبل سوق دهد، می‌توان ادعا نمود بازسازی موفق بوده و روستا به حیات ماقبل خود ادامه خواهد داد. از این حیث شناخت و استفاده از ویژگی‌های بالقوه سکونتگاه‌های روستایی چه از لحاظ کالبدی و چه اجتماعی عاملی است در جهت تبدیل آسیب‌ها به فرصت‌ها در آن و حفظ هویت پیشین روستا. بنابراین نظریه مطرح شده در ابتدای مقاله مبنی بر اینکه "بازسازی مبتنی بر جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی نه تنها مطلقاً منفی تلقی نمی‌شود بلکه با اعمال برخی الزامات و سیاست‌های ویژه می‌تواند سبب پایداری و پویایی بیشتر روستا نسبت به قبل سانحه شود" اثبات می‌گردد. از پژوهش حاضر مهم‌ترین مشخصه‌های بازسازی موفق مبتنی بر جابه‌جایی در سکونتگاه‌های روستایی به دو صورت عمومی و مرتبط با نمونه مورد بررسی قابل جمع‌بندی است.

الزامات عمومی:

- شناخت کامل و صحیح ساختارهای روستای پیش از سانحه اعم از ساختارهای معیشتی، محیطی، کالبدی و اجتماعی

- تنظیم سیاست‌های بازسازی در راستای هرچه نزدیک‌تر شدن روستای بازسازی شده به ساختارهای مطلوب گذشته.

- سعی در مکان‌یابی مناسب موقعیت جدید روستا با حفظ ارتباط و دسترسی مناسب به سکونتگاه قبلی

- استفاده از مشارکت اهالی در تمام مراحل و سیاست‌های بازسازی

- سعی در هرچه خودکف‌تر نمودن اهالی در راستای کاهش وابستگی به کمک‌های خارجی

- بررسی و ارزیابی دوره‌ای روستاهای جابه‌جا شده در راستای رفع ضعف‌ها و تهدیدهای احتمالی

اقدامات خاص اسطخ کوه:

به نظر می‌رسد سیاست‌های اتخاذ شده در بازسازی روستای اسطخ کوه که منجر به حفظ حیات این روستا پس از گذشت بیش از بیست سال می‌گردد به شرح ذیل است:

- انتخاب موقعیت روستای جدید در فاصله‌ای بسیار نزدیک از محل روستای قدیم چنانچه امکان تردد پیاده به سادگی میسر بوده و این امر از مقاومت روستائیان در پذیرش محل جدید می‌کاهد.

- محل جدید روستا با مشارکت اهالی (خرید یا وقف) صورت پذیرفته که این امر در پذیرش موقعیت جدید و ایجاد حس تعلق امری تأثیر گذار قلمداد می‌شود.

- انتخاب موقعیت زمین هر خانوار براساس چیدمان همسایگی گذشته و با نظر اهالی صورت پذیرفته است.

- دولت برای هر خانواده صرفاً یک اتاق با ابعاد متناسب با گستره خانوار ساخته و گسترش و توسعه خانه‌ها توسط خود اهالی و با گذشت زمان انجام پذیرفته است. این امر باعث سازگاری هر چه بیشتر الگوی مسکن با شیوه زندگی هر خانواده و افزایش روند پذیرش و موفقیت بازسازی می‌گردد.

- در بافت روستای جدید امکانات تردد وسایل نقلیه عمومی برای تمامی واحدها مهیا شده که خود به خود در روند توسعه ارتباطات روستا مؤثر می‌باشد.

- حفظ ترکیب‌بندی و یکپارچگی اجتماعی روستا نسبت به شرایط قبل از سانحه و عدم تجمع با روستاهای اطراف از مشاجرات و مشکلات فرهنگی تا حد امکان کاسته که این امر تأثیر به‌سزایی در موفقیت جابه‌جایی داشته است.

در پایان به نظر می‌رسد شناخت دقیق و کامل ساختار روستا قبل از سانحه و سعی در هر چه نزدیک کردن جوانب مختلف روستای جدید به شرایط ماقبل، اصلی‌ترین نقش را در بازسازی موفق مبتنی بر جابه‌جایی دارد.

پی‌نوشت

1. Reconstruction
2. Relocation
3. Rural location, Allocation
۴. در پژوهش پیش رو عوامل مذهبی در دسته عوامل اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.
5. fa.wikipedia.org

فهرست منابع

- زرگر، ابراهیم. میری، حسن. آقایی، م (۱۳۶۹). گونه‌شناسی مسکن روستایی گیلان بر حسب نوع معماری و مصالح. تهران: مرکز مطالعات مقابله با سوانح طبیعی ایران. تهران.
- احمدیان، رضا. موسوی، سیروس. محمدی ماکرانی، حمید (تابستان ۱۳۷۸). ویژگی‌های شکلی بافت‌های روستایی ایران. مجله آبادی، ۵۹، صفحات ۱۶-۲۴. تهران.
- آيسان، یاسمین. دیویس، یاس (۱۳۸۵). معماری و برنامه‌ریزی بازسازی. مترجم: علیرضا فلاحي. انتشارات شهید بهشتی، تهران.
- بازسازی و نوسازی مسکن مناطق جنگ‌زده روستایی، مسائل و مشکلات عمده، مشکلات و راه‌حل‌ها (خردادماه ۶۳). ستاد بازسازی و نوسازی مناطق جنگ‌زده روستایی خوزستان، ایران.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۶۹). برنامه و بودجه بازسازی مسکن مناطق زلزله‌زده استان‌های گیلان و زنجان. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. تهران.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۱). گزارش بازسازی مناطق زلزله‌زده گیلان-زنجان-خلخال، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، تهران.

- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۷۵). فرهنگ آبادی‌های کشور. تهران.

- سرتیپی‌پور، محسن (۱۳۸۸). آسیب‌شناسی معماری روستایی، به سوی سکونتگاه مطلوب، انتشارات شهید بهشتی، تهران.

- سعیدی، عباس. حسینی حاصل، صدیقه (۱۳۸۷). شالوده مکانیابی و استقرار روستاهای جدید. بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، معاونت عمران روستایی، تهران.

- سعیدی، عباس (۱۳۷۷). منابع جغرافیایی روستایی، انتشارات سمت، تهران.

- سلیمان زاده، سیما. مهدویه، مریم. سرتیپی‌پور، محسن (بهار ۱۳۹۳). ارزیابی جابه‌جایی سکونتگاه‌های روستایی پس از زلزله (نمونه موردی: اسطخ‌کوه بعد از زلزله سال ۱۳۶۹ در گیلان-زنجان). مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۳، شماره ۵، صفحات ۲۹-۴۲. دانشگاه فردوسی مشهد.

- طالب‌زاده، مهدی (پاییز و زمستان ۱۳۸۰). بررسی مشارکت روستائیان در بازسازی مناطق زلزله‌زده. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۸، صفحات ۱۳۳-۱۶۵.

- فلاحي، علیرضا. (۱۳۸۴). درآمدی بر مقولات اصلی بازسازی (تصویرات نادرست و واقعیت‌ها). صغه، شماره چهل، صفحات ۸۰-۹۹، دانشکده معماری شهرسازی شهید بهشتی، تهران.

- Boen, T. Jigyasu, R (2008) Culturral Consideration For Post Disaster Reconsration.

- Divis, Ian (1978) Shelter After Disaster. UK, Oxford Polytechnic.

- Jha, Abhas K.; Barenstein, Jennifer Dwayne; Phelps, Priscilla M.; Pittet, Daniel; Sena, Stephen. (2010). Safer homes, Stronger communities: a handbook for reconstructing after natural disaster, World Bank Publications, New York.